

به گزارش روابط عمومی دفتر امام جمعه لاریجان:  
برگزاری نماز جمعه شهر رینه. پنجم دیماه سال 1404

خطبه اول:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين أحمدّه و أشكره و  
أستعينه و أستغفره و أتوكل عليه و أصلي و أسلم على حبيبه و نجيبه و  
خيرته في خلقه حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته بشير رحمته و نذير نقمته  
سيّدنا و نبينا و حبيب قلوبنا أبي القاسم المصطفى محمّد و على آله  
الأطيبين الأطهرين و صحبه المنتخبين و من تبعهم باحسان الى يوم  
الدين.

قال الله العظيم في كتابه الكريم:

«وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ».

مائده/88

ترجمه: " و از نعمت های حلال و پاکیزه ای که خدا روزی شما فرموده بخورید و از خدایی که به او ایمان دارید پروا کنید."

"أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا خَيْرُ مَا تَوَصَّى الْعِبَادُ بِهِ وَخَيْرُ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ" خودم و همه شما بندگان خدا را به رعایت تقوای الهی و نظم در امور سفارش میکنم که سفارشی والاتر از این مهم در عالم هستی وجود ندارد. امیرالمؤمنین (ع) در خطبه 114 نهج البلاغه میفرماید: نشانه عبرت انگیز بودن دنیا آنکه آدمی پس از تلاش و انتظار تا میرود به آرزوهایش برسد ناگهان مرگ او فرا رسیده

امیدش را قطع میکند نه به آرزو رسیده و نه آنچه را آرزو داشته باقی  
میماند. سبحان الله! شادی دنیا چه فریبنده و سیراب شدن از آنچه  
تشنگی زاست و سایه آنچه سوزان است نه زمان آمده را میشود رد  
کرد و نه گذشته را میتوان باز گرداند شما را چه شده است که با به  
دست آوردن متاعی اندک از دنیا شادمان میگردید و از متاع بسیار  
آخرت که از دست میدهید اندوهناک نمیشوید پس بندگان خدا إتقوا الله!  
وجود مبارك أمير المؤمنين عليه السلام برای مؤمن چند خصلت را بیان  
کردند. خصلت اول کسب حلال و پاک یعنی معیشت و در آمد صحیح  
است پیغمبر (ص) میفرماید: تا مال حرام نزد کسی باشد خداوند متعال  
به او نظر رحمت نمیکند. بعد از اینکه جنگ خیبر به پایان رسید و

أرتش اسلام به رهبری پیغمبر و جهاد خالصانهٔ أمير المؤمنين (ع) به غنائمی دست پیدا کردند پیغمبر اعلام کردند که هر رزمنده ای هر مقدار غنیمت که به چنگ آورده بیاورد و در محل معین بگذارد تا غنیمتها تقسیم شود چون شرعی نیست! رزمنده ای عرض کرد: يك جفت بند كفش از غنائم خيبر در جيب من است اگر اين بند كفش نزد من بماند معصيت دارد؟ پیغمبر(ص) فرمودند: اگر بماند و پس ندهی در قیامت بصورتِ دو بندِ آتش به دو پای تو قرار می‌گرفت یعنی حرام مانند آتشِ دوزخ است! در آیات قرآن این نکته آمده است که هر عذابی در قیامت در صورتی که آن گنه‌کار توبه و جبران نکرده باشد با خود آن گناه تناسب دارد. برای شما از روایت مثالی بزنم. به أمير المؤمنين

(ع) خبر دادند که فلان دوست شما را مار گزیده و حال او خیلی بد است حضرت آمدند و دیدند او دارد بخودش می پیچید و ناله میکند. دوا روی زخمش گذاشته بودند اغلب مصیبتها و رنجهایی که به انسان میرسد محصول گناه خود انسان است. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» من سختیها، رنجها و مضیقه ها را از زندگی شما تغییر نمیدهم مگر اینکه شما زندگی خود را به آلودگیها تغییر دهید یعنی آلودگیها باعث بلاها، مصایب، سختیها و رنجها میشوند البته این مطلب را در انبیا و ائمه علیهم السلام پیاده نکنید برای آنان درجه دارد چون مصائب آنها نتیجه گناه نیست ولی دیگران که مشکل پیدا میکنند در آلودگیها و گناهان ریشه دارد البته جریمه های گناه در دنیا قابل

مقایسه با جریمه های گناه در آخرت نیست. امیرالمؤمنین (ع) در دعای کمیل میفرماید: « عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنُئُهُ يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ » « بلای دنیایی ماندگار نیست و رد میشود و اگر بماند مدتش کم است » « فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَ جَلِيلِ وَقُوعِ الْمَكَارِ فِيهَا وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُّهُ وَ يَدُومُ مَقَامُهُ وَ لَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَ انْتِقَامِكَ وَ سَخَطِكَ » « اگر کسی گرفتار جریمه آخرت شود دیگر مدت و علاج ندارد. به امیرالمؤمنین (ع) عرض کرد: من چه کرده ام که مار مرا گزیده است؟ فرمودند: چون دیروز بعد از ظهر مرتکب گناهی شدی که این نیش مار کیفر همان گناه است. فرمودند: با این زبانت دل قنبر را سوزاندی باید خدا را شکر کنی جریمه این کار

را برای روز قیامت نگذاشت آنوقت مارهای جهنم تو را میگزینند که دیگر خوب شدنی نبود! جلال الدین مولوی میگوید: آن عقرب و مار خود جهنم نیست آن عقرب و مار از فحشها، زخم زبانها و تحقیرهایی است که نسبت به مردم داشته ای. مولوی شعر جالبی بر اساس همین آیات دارد میگوید: ای دریده پوستین یوسفان - گر بدرد گرگت آن از خویش دان! میگوید: جامعه ای که کار به کار تو نداشته است مال تو را نبرده بتو ظلم و بدی نکرده نسبت بتو مانند یوسف(ع) یعنی از شرور پاک است در قرآن نخواندی: «وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ» حیوانات که تکلیف ندارند پس برای چه آنها را محشور میکنند؟ این حیوانات همین جنس دو پای ظالم و ستمگر است و إِلَّا گوسفند و گاو

را زنده کنند و در صحرای محشر بیاورند که چه چیزی به آنها بگویند؟ بگویند: چرا بار آدمیزاد را بُردی و به او شیر دادی؟ ولی ما را زنده میکنند چونکه تکامل یافته صورتِ ظاهر آنها هستیم. گره، شیر، پنیر و ماست را خوردیم و انرژی آن را در گناه و ظلم صرف کردیم برای چی به آنها چوب بزنند؟ در کتاب نُه جلدی «نامه دانشوران» که در اواسطِ دولتِ قاجاریه نوشته شده است قضیه ای بیان شده که سلطان محمود غزنوی در قرنِ چهارم یعنی هزار و یکصد سال قبل از شهرِ غزنین که از شهرهای مهم ایران بود حرکت کرد تا به حج برود. از غزنین به خراسان و از آنجا به نیشابور، سبزوار و شاهرود آمد چون باید تا بندر عباس میآمدند و از آنجا با

کشتی تا عراق میرفتند و از آنجا وارد عربستان میشدند و به اردن  
میرفتند و بعد به تبوك و بعد به مدینه میآمدند. وقتی به شاهرود رسید  
به او گفتند: در این نزدیکیها منطقه ای بنام بسطام است که مردی الهی  
در آنجا زندگی میکند پرسید: کیست؟ گفتند: شیخ أبو الحسن خرقانی.  
عادتی که سلاطین قدیم داشتند و تقریباً بعد از ناصرالدین شاه قطع شد  
این بود که در تمام گوشه و کنار مملکت در مقام شناخت شاعران  
قوی، حکیمان، عارفان و فقیهان بودند یا به دیدن آنها میرفتند یا آنها را  
دعوت میکردند که به دربار بیایند که خیلی ها نمیآمدند. وقتی به سلطان  
محمود گفتند: در منطقه بسطام شیخ أبو الحسن خرقانی زندگی میکند  
گفت: من اسم او را شنیده ام فکر نمیکنم او به دیدن ما بیاید

برویم آمد و وارد کلبه گلی شیخ شد و گفت: ای شیخ! ما را دعا کنید  
گفت: برای چی؟ گفت: دارم به مکه میروم. به سلطان محمود گفت:  
میخواهی بیت الله را بعنوان خانه خدا زیارت کنی آیا هیچ دلی از تو  
دلگیری دارد یا نه؟ اگر دلگیر باشد آن زیارت هیچ نمی‌آرزد! اول برو  
دلهایی را که خراب کردی آباد کن زخم زدی إلتیام بده بعد مکه برو.  
خیال میکنی همه دلها از دست تو راضی هستند؟ چه شبها که زن با  
بچه هایش با شکم گرسنه در تاریکی اتاق اشک ریختند و تو در کاخ  
صد هزار دینار طلا پول شام شبت شود. برهنه ای در سرمای زمستان  
بمیرد و تو چند هزار دست لباس داشته باشی حج تو را قبول میکنند؟  
دلها از تو راضی است که دختری را به جوانی در غزنین شوهر

بدهی از خانه داماد تا کاخ فرش پهن کنی و تا جایی که انگشتها و گردنش جا دارد طلا و برلیان بیندازی ولی پدری میخواهد دخترش را شوهر بدهد یک کاسه مسی نمیتواند بخرد همراه دخترش کند. اول سراغ خانه دل برو نه خانه گل! هر مالِ حرامی در زندگی بماند بعد از مرگ بصورت آتش بدن را میگیرد. آیه اش در سوره توبه است که ثروت، طلا و نقره حرامی که در دنیا داشتند را در قیامت بصورت فلز گداخته در میآورم: «يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ» آن فلزها را در آتش جهنم میگذارم و بعد آن را به پیشانی، پهلوی و پشت آنان میچسبانم میگویم: «هَذَا مَا كُنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ» این فلزهای گداخته پولهایی بود که در دنیا به ناحق بردی! اما نشانه مؤمن پاکی پول در آمد و معیشتش است.

## خطبة دوم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الحمد لله رب العالمين و العاقبة لاهل التقوى و  
اليقين والصلوة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين حبيب إله  
العالمين أبى القاسم محمد، صلى الله عليه و آله و سلم وعلى آله الأطيبين  
الأطهرين المنتجبين. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيِّ  
رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ آيَتِكَ الْكُبْرَى وَ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ وَ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقِ  
الطَّاهِرِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ وَ إِمَامِي  
الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيَّ بَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ صَلِّ عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ  
عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ

عَلِيَّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ

الْخَلْفَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ أَمَنَّا بِكَ فِي بِلَادِكَ.

دعای فرج..

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيْرًا وَ اَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيْزًا. اَللّٰهُمَّ اَظْهَرْ بِهٖ دِيْنَكَ وَ

سُنَّةَ رَسُوْلِكَ حَتّٰى لَا يَسْتَخْفِيْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْحَقِّ مَخَافَةً اَحَدٍ مِّنَ الْخَلْقِ..

اوصيكم يا عبادالله و نفسي بتقوي الله و اخوفكم من عقابه.

با درود و سلام بي پايان به روح مطهر حضرت امام محمد تقی جواد

الأئمه (ع) و نیز معمار كبير انقلاب اسلامی ایران و دو فرزند

گرانقدرش جميع مؤمنين و مؤمنات، علماء، صلحا، شهدای انقلاب،

شهيدان 8 سال دفاع مقدس، شهدای گمنام، شهدای مدافع حرم و وطن و

سلامت 417 شهید خونین بال بخش لاریجان و با آرزوی طول عمر با عزت همراه با صحت و سلامتی برای مقام معظم رهبری در این خطبه دوم خودم و همه شما عزیزان را توصیه میکنم به تقوای الهی و دوری از محرمات.

نکات این هفته نماز جمعه پنج دیمه سال 1404 را بمحضر شما نمازگزاران عزیز جمعه لاریجان عرضه میدارم.

### نکته اول:

ماه رجب در نگاه رهبر انقلاب فرصتی تکرار نشدنی برای بازسازی درون، تقویت ایمان و آمادگی برای ضیافت الهی است. استغفار، عبادت، دعای با معرفت، توجه به توحید، استفاده از سنت اعتکاف و

ذخیره گیری معنوی مهمترین توصیه هایی است که ایشان برای بهره گیری از این ماه بیان کرده اند اگر این توصیه ها بدرستی عملی شود ماه رمضان به نقطه عطفی در زندگی معنوی انسان تبدیل خواهد شد نقطه ای که مسیر آینده را روشنتر میسازد.

نکته دوم:

امروز خانواده در عین حیاتی بودن یکی از مظلومترین نهادهای اجتماعی است. افزایش آمار طلاق، کاهش ازدواج و تزلزل روابط خانوادگی زنگ خطری جدی برای جوامع بشر بشمار میرود. یکی از عوامل اصلی این بحران تضعیف زیست عقیفانه است. مقابله با این تهدید نیازمند همت جمعی، آگاهی فرهنگی و بازگشت به الگوی

نورانی حضرت زهرا (س) است. وزانت و اعتبار نظام اسلامی در عرصه داخلی و بین المللی نگاهی دقیق و توأم با لطافت به مسئله خانواده و نقش زن در جامعه اسلامیست. جنگِ امروز بیش از آنکه در میدان موشک و سلاح باشد در هویت و سبک زندگی جریان دارد.

نکته سوم:

با توجه به فرا رسیدن نهم دی بنام روز بصیرت و میثاق امت با ولایت باید عرض کنم: حماسه ۹ دی ۱۳۸۸ نقطه پایان فتنه ای بود که با اتکا به جنگ نرم عملیات روانی، تحریف افکار عمومی، شکاف سازی اجتماعی و بهره گیری از غفلت برخی خواص طراحی شده بود. یوم الله ۳ تیر ۱۴۰۴ نماد پیروزی ملت ایران در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

ای است که اینبار با ابزار نظامی تهدیدِ مستقیم و فشارِ امنیتی رقم خورد! اگر چه شکل تهدید تغییر کرده بود اما هدف دشمن همان هدف همیشگی یعنی تضعیفِ ارادهٔ ملی و بی ثبات سازی جمهوری اسلامی بود معرفت و بصیرت موقعی شکل میگیرد که انسان به جامعه نگاه کلان داشته باشد ما در کجای معادلهٔ قدرتِ جهانی ایستاده ایم؟ در کدام مرحله از نبردِ تاریخی حق و باطل هستیم؟ ما فقط یک کشور یا یک نظام نیستیم بازیگر تمدنی هستیم. رفاه، عدالت و معنویت هر سه با هم در دستور کارِ نظامِ جمهوری اسلامی است. نگاهِ کلان وسیله ای است برای اینکه یک ملت بداند کیست؟ کجای تاریخ ایستاده؟ قله کجاست؟ در مسیر موانع چیست و چگونه باید این موانع را پشت سر گذارد؟

یعنی برای آینده چه وظیفه ای دارد؟ بی ثباتی ذهنی، التهاب رسانه ای، نا اطمینانی اقتصادی و قطبی سازی اجتماعی مهمترین میدان نبرد جنگ شناختی است. فهم این وضعیت بدون یک چار چوب کلان تحلیلی ممکن نیست.

نکته چهارم:

مسئولان وظیفه دارند با گرانیها و احتکار و تضعیف معیشت مردم برخوردی قاطع و مسئولانه داشته باشند و اجازه ندهند فشار اقتصادی بیش از این بر دوش مردم سنگینی کند شکم گرسنه و سفره خالی پند و موعظه نمیشناسد! شایسته نیست برخی تعابیر و سخنان درباره معیشت مردم رنگ و بوی توهین آمیز داشته باشد سخن مسئولان باید محترمانه

و همراه با احساس مسئولیت باشد سخنانی از این دست که مردم به جای برنج جو مصرف کنند توهینی آشکار به ملت شریف ایران است و با واقعیتهای معیشتی جامعه همخوانی ندارد اگر کسی سخن نیک و راهکار درست نمیداند دست کم سکوت کند و اگر توان اقدام مثبت ندارد نباید با رفتار و گفتار منفی بر زخمهای معیشتی مردم نمک بپاشد مهار پایدار گرانی زمانی ممکن است که اقتصاد از مدیریت روز مَرّه بحران به حکمرانی قاعده مند و قابل پیش بینی عبور کند.

نکته پنجم:

پیشاپیش ولادت امام محمد تقی جواد الائمه(ع) در (دهم رجب سال 195 ق) را بمحضر همه شیعیان و ایرادتمندان خاندان امامت تبریک عرض

مینمایم. «مأمون» در ستایشی درست از امام جواد(ع) میگوید: «او فقیه ترین و داناترین شما به خداوند و رسول و سنت و احکام اوست و از همه شما بیشتر کتاب خدا را تلاوت میکند و بیش از شما به «محکم» و «متشابه» و «ناسخ» و «منسوخ» و «ظاهر» و «باطن» و «عام» و «خاص» و «تنزیل» و «تأویل» قرآن آگاه است». یکی از اصحاب امام جواد(ع) حضرت عبدالعظیم حسنی است که مقدار قابل توجهی حدیث از آنحضرت نقل کرده است همچنین علی بن مهزیار دیگر صحابه امام جواد(ع) و شخصیتی پُر اُرج و شناخته شده در میان شیعیان است که از آنحضرت روایاتی نیز نقل کرده و آنحضرت در بزرگداشت وی عنایت ویژه ای داشته اند. والاترین استعداد معنوی

انسان خدایی شدن اوست اگر آدمی نفس خویش را از آلودگیها پیراسته کند از مقام فرشتگان پافراتر مینهد و آینه دار خداوند میشود و به رنگ و بوی پروردگار در میآید و چون خداوند اهل جود و سخاوت میشود امام جواد(ع) اینگونه همانند پروردگارش جواد و سخی بود.

در پایان:

در آستانه ثبت نام و حضور افراد برای شورای اسلامی شهر و روستا قرار داریم نهادی که به تعبیر قانون اساسی نماد مشارکت مردم و تجلی مردم سالاری دینی در اداره امور محلی است. پرسش مهم این است که چه کسانی شایسته ورود به این عرصه اند تا شهر و روستای ما به پیشرفت واقعی برسد؟ نخستین ویژگی ایمان تقوا و پایبندی عملی به

آرزشهای اسلامی و انقلابی است. کسی که خود را خادم مردم میدانند باید امانتدارِ رأی و اعتماد آنان باشد. قرآن کریم میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» مسئولیت امانت است نه طعمه!

دوم: تخصص، تجربه و آگاهی از مسائل شهر و روستاست شورا جای آزمون و خطا نیست. فردی باید وارد شود که درد مردم را بشناسد با مشکلات عمرانی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آشنا باشد و توان تصمیم‌گیری درست داشته باشد. سوم: روحیه خدمتگزاری و مردم‌داری است. عضو شورا نباید دنبال نام جایگاه یا منافع شخصی باشد.

أمیر المؤمنین علی (ع) میفرماید: «بهترین مردم کسی است که بیشترین نفع را برای مردم داشته باشد.» شورا یعنی شنیدن صدای

مردم نه تحميلِ نظر خود. چهارم: پاکدستی شفافیت و پرهیز از فساد است. کسی که سابقهٔ سوءِ استفاده و رانت خواری یا وابستگیهای ناسالم دارد هرگز نمیتواند منشأ پیشرفت باشد. اعتماد عمومی سرمایه ای است که به سختی بدست می آید و براحتی از بین میرود. پنجم: روحیهٔ همدلی مشورت و کار جمعی است. شورا محل اختلاف افکنی و دعوای شخصی نیست بلکه جای همفکری و تعامل با نخبگان جوانان و استفاده از ظرفیتهای مردمی است. و سخن آخر اینکه: هم ثبت نام کنندگان و هم رأی دهندگان باید با نیت الهی و احساس مسئولیت وارد این میدان شوند. انتخابِ درستِ امروز آیندهٔ آبادِ فردای شهر و روستای ما را رقم میزند.